نیمهٔ پنهان
۲۶۷۹
سید محمد عماد اعرابی

بازخوانی کارنامه عبدالرحمن برومند و خاندانش- ... وتن‌فروش-۳

### فراز و فرود ملی‌گرایی در زندگی عبدالرحمن برومند - بخش اول

# درد دل با اجنبی

حالا کم‌کم صدای آمدن سوپرمن لیبرال‌ها و روشنفکران به گوش می‌رسید؛ ایالات متحده علی امینی را فرستاده بود تا یک شبه از اقتصاد ورشکسته ایران بهشت بسازد![۳۳] امینی مثل قهرمانان داستان‌های تخیلی شنل نداشت اما نقاب داشت درست مانند برخی سیاستمداران. انگار صدای عبدالرحمن و دوستان لیبرالش بعد از چهار سال به گوش مقامات واشنگتن رسیده بود که «[ایالات متحده باید] به نحوی بر دولت حاضر فشار آورد و به اختناقی که ایران را در بر گرفته خاتمه دهد»[۳۴] اگر چه قبل از آن حتماً چرتکه منافعشان را انداخته بودند؛ این رسم همیشگی آنهاست نه فقط ایالات متحده بلکه در دنیای تجدد یک پیش فرضِ کاملاً پذیرفته شده است که «هرکس باید به فکر منافع خودش باشد.»؛ و البته رابطه مستقیمی دارد تأمین منافع کاخ سفید با فعالیت جبهه ملی؛ همیشه لازم نیست به انتظار زمان انتشار اسناد طبقه‌بندی شده نشست گاهی تاریخ همه چیز را بی‌صدا فریاد می‌کند.

علی امینی همان‌طور که قرار بود، فعالیت احزاب سیاسی را آزاد کرد. جبهه ملی صورتی رسمی به خود گرفت و فعالیت‌هایش علنی شد. اعضای شورای مرکزی جبهه ملی قرار گذاشتند به مناسبت نهمین سالگرد واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بر سر مزار کشته‌شدگان در ابن بابویه تجمع کرده و شاخه گلی نثارشان کنند؛ از قبل هماهنگی‌های لازم به عمل آمده بود و نخست‌وزیر را مطمئن کرده بودند که در این تجمع اتفاقی نخواهد افتاد.[۳۵] عبدالرحمن آن روزها مسئول امور شهرستان‌های جبهه ملی بود و به همراه دوستش شاهپور بختیار و سایر اعضا راهیِ ابن بابویه شد[۳۶] اما این‌بار علی امینی بی‌نقاب با آن‌ها سخن گفت؛ دسته‌گل‌هایشان را گرفت و خودشان را هم به زندان موقت شهربانی فرستاد.[۳۷] محوطه زندان، گرم و کوچک بود و شام هم مقداری پنیر و نان سنگک. آن شب پسر عمه‌اش ادیب برومند برای جمع زندانیان شعر می‌خواند و سعید فاطمی هم داستان اساطیر یونان را می‌گفت؛ صبح که شد به مکان دیگری منتقل شدند.[۳۸] روزهای بعد، زندان برای عبدالرحمن با یک محیط تفریحی چندان فرق نداشت، خودش کاملاً راضی بود و می‌گفت:

وقت کافی برای مطالعه و ورزش داشت و با غذاهایی که از خانه فرستاده می‌شد به خوبی تأمین بود.[۳۹]

برای یک خان‌زاده اشرافی هیچ چیز شیرین‌تر از مبالغه در مدت زمان زندان و سابقه مبارزاتی نیست، این کار هم نان دارد و هم نام! عبدالرحمن همه جا می‌گفت جزء آخرین نفرات بود که از زندان آزاد شد و مدت زندانش بیش از سه ماه طول کشید[۴۰] اما او تنها ۵۶ روز در زندان بود یعنی چیزی کمتر از دو ماه[۴۱] آن هم زندانی که بیشتر به تفریح شبیه بود تا تنبیه! با نفوذی که خانواده‌اش در مجلس و ارتش داشتند مسلماً زندان برای او ناخوشایند نبود. یک بار عمو زاده‌اش سپهبد ناصرقلی برومند واسطه آزادی پسر عمه‌اش ادیب برومند از زندان شد،[۴۲] کاری که برای افراد دیگر خانواده مانند سرهنگ ابوتراب برومند (رئیس ستاد فرماندهی لشگر پنج پیاده) یا سرهنگ سیف‌الله برومند (مسئول رکن ۲ اطلاعات و امنیت) نیز اصلاً دشوار به نظر نمی‌رسید. بگذریم از اینکه عمویش محمدباقر برومند همچنان نماینده مجلس بود.[۴۳] عبدالرحمن بعد از آزادی ضمانت داده بود که بدون اجازهٔ مقامات امنیتی تهران را ترک نکند، همین کار را هم کرد و همسر و فرزندانش را به تهران آورد.[۴۴] به لطف ملک و املاکی که میراث خان زادگی‌اش بود آن‌قدر مال و ثروت داشت تا در یکی از خوش آب و هواترین مناطق تهران یعنی شمیران دست به کار ساختن خانه شخصی‌اش شود. پول که باشد همه چیز فراهم می‌شود حداقل برای عبدالرحمن چنین بود و در کنار ساخت وساز خانه به تأسیس یک دارالوکاله هم فکر می‌کرد،[۴۵] هر چه باشد او حقوق‌دان و وکیل بود باید مثل تمام وکلا به دنبال یک دارالوکاله می‌گشت! عبدالرحمن اگرچه پس از نطق شاه در سالگرد ۲۸ مرداد از او نا امید شده بود[۴۶] اما با اینکه به دستور علی امینی به زندان افتاده بود هنوز از این سوپرمن ایالات متحده نا امید نشده بود. یک روز که با فرانکلین کرافورد -دبیر دوم سفارت آمریکا- به رستوران سورنز رفته بودند به او گفت:

دولت امینی در مقایسه با دولت‌های گذشته شریف‌امامی و اقبال، نمایانگر یک بهبود است.[۴۷]

شاید نمی‌خواست نماینده ایالات متحده را از خود برنجاند چرا که بالاخره امینی نخست‌وزیر منتخب کاخ سفید بود[۴۸] و انتقاد به او یعنی انتقاد به کاخ سفید! عبدالرحمن باید مراقب حرف زدنش می‌بود تا باعث بی‌اعتمادی مأموران سفارت آمریکا به او و دوستانش نشود اما انگار مقامات واشنگتن هنوز برای واگذاری قدرت به جبهه ملی به توافق نرسیده بودند. جبهه ملی اگرچه کج‌دار و مریز اما همچنان به فعالیت خود ادامه می‌داد. در اعلامیه‌ای که اول بهمن ۱۳۴۱ منتشر کردند در اعتراض به انتخابات اصلاحات ارضی (انتخاباتی که قرار بود ۶ بهمن ۱۳۴۱ برگزار شود) نوشتند:

جبهه ملی ایران معتقد است که تأمین زندگی مرفه انسانی برای دهقانان هنگامی مؤثر است که نظام پوسیده ارباب-رعیتی عملاً و واقعاً منسوخ شود و زمین و آب در اختیار روستائیان قرار گیرد و دهقانان ایران دور از هر نوع صحنه‌سازی و فریب، زمام سرنوشت خویش را در دست گیرند.[۴۹]

همیشه با مرور تاریخ، چیزی برای خندیدن پیدا می‌شود. هیئت اجرایی جبهه ملی که پای اعلامیه را امضا کرده بودند باید در استفاده از لغات کمی محتاط‌تر عمل می‌کردند چون در میانشان داشتند افرادی که ارباب بودند و رعیتی را به ستوه آورده بودند؛ این را می‌شد با سر زدن به اصفهان، دهستان برخوار و روستای گز دید؛ آنجا که دهقانان نه آب داشتند و نه زمین، همه چیز دست خاندان برومند بود! بعد از انتشار اعلامیه، سران جبهه و عده‌ای از هواداران به زندان افتادند.[۵۰] عبدالرحمن حال و روز خوشی نداشت. از سویی جبهه ملی را تمام شده می‌دید و از سوی دیگر کم‌کم از ایالات متحده هم نا امید می‌شد. وقتی پای درد دلش با جوزف لورنز -کنسول آمریکا در اصفهان- باز شد به او گفت:

رئیس جمهور کِندی به طور غیر ضروری سیاست سرکوبی شاه را در قبال جبهه ملی با فرستادن یک‌نامه تبریک تشویق نموده است.[۵۱]

برومند تا آن لحظه در طول تمام گفت وگوهایش با مأمورین سفارت آمریکا، این‌طور پایش را از گلیمش درازتر نکرده بود، البته لورنز به او اطمینان داد که ایالات متحده چنین قصدی ندارد و برای کاردار موقت کنسول امور سیاسی نوشت:

برومند از دفعات قبلی که وی را دیده بودم غمگین‌تر به نظر می‌رسید. ظاهراً او تشخیص داده که مخالفت سیاسی دیگر به آسانی آن بازی مهیجی که قبلاً بود نیست، بلکه اعمال سیاسی فرد باید در آینده در قبال عواقب آن‌ها به دقت سنجیده شود.[۵۲]

**منابع در دفتر روزنامه موجود است**

علی امینی مجدی (۱۲۸۴-۱۳۷۱) که خود را شخصیتی روشنفکر و لیبرال نشان می‌داد در سال ۱۳۴۰ توانست با جلب حمایت آمریکا و به دستور آنها محمدرضا پهلوی را مجبور به صدور حکم نخست‌وزیری برای خود گرداند، اما مدت زیادی طول نکشید که در سال ۱۳۴۱ محمدرضا پهلوی توانست با جلب نظر اربابان آمریکایی‌اش اسد الله علم را جایگزین او کند. در تصویر فوق وی در کنار محمدرضا پهلوی دیده می‌شود.

*** عبدالرحمن همه جا می‌گفت جزء آخرین نفرات بود که از زندان آزاد شد و مدت زندانش بیش از سه ماه طول کشید، اما او تنها ۵۶ روز در زندان بود یعنی چیزی کمتر از دو ماه.**

***

*** مأمور سفارت آمریکا: برومند از دفعات قبلی که وی را دیده بودم غمگین‌تر به نظر می‌رسید. ظاهراً او تشخیص داده که مخالفت سیاسی دیگر به آسانی آن بازی مهیجی که قبلاً بود نیست.**

نیمهٔ پنهان
۲۶۷۸
شهریار زرشناس

سنجش ایدئولوژی‌های مدرن- ۲

# ایدئولوژی چرا ابداع شد؟

دیوید مک للان در توضیح پیدایی واژه ایدئولوژی می‌نویسد:

در پیامد مستقیم انقلاب فرانسه بود که واژهٔ ایدئولوژی برای نخستین بار باب شد. خالق این واژه در سال ۱۷۹۷، آنتوان دستوت دوتراسی بود. وی از جمله فیلسوفانی بود که مجلس کنوانسیون انقلابی فرانسه، آنان را عهده‌دار مدیریت نهادِ نوبنیاد «موسسه فرانسه» (انستیتوی ملی فرانسه) کرد که می‌بایست به بسط اندیشه‌های روشنگری بپردازد.[۱]

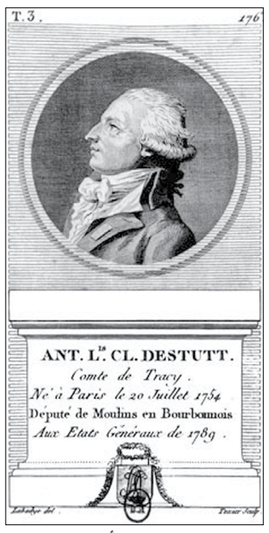


آنتوان دوتراسی متولد سال ۱۷۵۴ میلادی و از فیلسوفان عصر به اصلاح روشنگری و از هم‌فکران فیلسوفان حسی- تجربی (باتمایلات پوزیتیویستی) نظیر «بونودوکندیاک» (متوفی ۱۷۸۰) و «جان لاک» (۱۷۰۴ م) بود. دوتراسی یک اومانیستِ سکولاریستِ مادی‌گرا و با جریان فراماسونریِ هدایت‌کنندهٔ انقلاب فرانسه کاملاً همراه بود. تراسی و هم‌فکرانش در انستیوی ملی فرانسه در پی ترویج آراء ضددینی فیلسوفان عصر ظلمانی به اصطلاح روشنگری بودند. آنها علم اومانیستی مدرن (Science) را نجات‌بخش بشر می‌دانستند و به دنبال آن بودند که روش‌های آمپریستی (تجربی- حسی) و رویکرد پوزیتیویستی علوم طبیعی مدرن را در قلمرو علوم انسانی [که در آن دوران در حال شکل‌گیری بود] به کار ببرند.

*** آنتوان تراسی با ابداع لفظ ایدئولوژی به گمان خود به دنبال تأسیس یک علم پوزیتیویستی تجربی- حسی برای مطالعهٔ «فکر» و «ایده‌ها» و نحوهٔ ظهور و تکوین آن‌ها بود. تراسی یک فیلسوف ماتریالیست ضددین بود و تحت تأثیر سخن اومانیستی- الحادی پوزیتیویستی اواخر قرن هیجده بشر را یک جانور ماشینی (مکانیکی) می‌دانست که براساس قوانین فیزیک قابل تبیین و تعریف است.**

آنتوان تراسی با ابداع لفظ ایدئولوژی به گمان خود به دنبال تأسیس یک علم پوزیتیویستی تجربی- حسی برای مطالعهٔ «فکر» و «ایده‌ها» و نحوهٔ ظهور و تکوین آنها بود. تراسی یک فیلسوف ماتریالیست ضددین بود و تحت تأثیر سخن اومانیستی- الحادی پوزیتیویستی اواخر قرن هیجده بشر را یک جانور ماشینی (مکانیکی) می‌دانست که براساس قوانین فیزیک قابل تبیین و تعریف است. تراسی به فرانسیس بیکن و اسحاق نیوتن و روش‌شناسی پوزیتیویستی آنها بسیار علاقه‌مند بود و مدعی بود با تأسیس ایدئولوژی [که او، آن را «علم ایده‌ها» و معادل «فلسفه ذهن» و «علم بررسی علل و نحوهٔ تبیین ظهور و تکوین و تطور ایده‌ها براساس رویکرد تجربی- حسی» می‌دانست] در مقام «نیوتن علم تفکر»[۲] (یعنی کاشف قوانین حاکم بر ذهن انسان‌ها، همان‌گونه که او معتقد بود نیوتن قوانین حاکم بر جاذبه و اشیاء و اجسام فیزیک را کشف کرده است) قرارگرفته است. همچنان که از مفهوم تحت‌اللفظی کلمه مرکّب ایدئولوژی («ایده» + «لوژی»، لوژی به معنای شناخت حصولی است و پسوند «logy» لوژی هرجا که بیاید مثلاً در جامعه‌شناسی، یا روان‌شناسی معادل شناخت است و از Logos «لوگوس» یونانی گرفته شده است. «ایده» نیز فارغ از معنایی که نزد «افلاطون» داشت، در عصر به اصطلاح روشنگری و دوران ما معادل «فکر» و «اندیشه» است و ایدئولوژی در مفهوم تحت‌اللفظی می‌شود «فکرشناسی»، «ایده‌شناسی» یا «علم شناخت ایده» یا «علم شناخت فکر») برمی‌آید، این اصطلاح در ابتدای وضع آن توسط دوتراسی ناظر به یک علم پوزیتیویستی معطوف به «فکر و ذهن انسان» در ذیل علم مدرن (Science) بوده است. البته مدت زمان کوتاهی بعد این معنایِ ایدئولوژی تغییر کرد و اصطلاح ایدئولوژی در دهه‌های بعد و در آراء برخی اندیشمندان و سیاستمداران دیگر معانی متفاوت یافت.

تراسی یک لیبرالیست معتقد به تفکر اومانیستی و ارزشهای محوری جهان‌بینی ظلمانی به اصطلاح روشنگری بود و درپی تأسیس علمی جدید بود. و اصطلاح ایدئولوژی را برای نامیدن آن علم وضع کرد. تراسی معتقد بود که اندیشه‌ها و مفروضات جهان‌بینی به اصطلاح روشنگری بشر را نجات خواهد داد و برای ترویج این ایده‌ها و باورها باید «علم ایده»ها (ایدئولوژی) تأسیس شود. تراسی کتاب «عناصر ایدئولوژی»اش را در سال ۱۸۰۱ منتشر کرد.

اندرو وینسنت دربارهٔ آنتوان تراسی و قصد او از وضع اصطلاح ایدئولوژی چنین می‌نویسد:

تراسی درپی یافتن اصطلاحی جدید برای علمی جدید بود... تراسی فردی عمیقاً ضد کلیسا و مادّه‌گرا بود. وی در سال‌های دههٔ ۱۷۹۰ و آغاز دههٔ ۱۸۰۰، به ویژه در مورد کنترل آموزش و پرورش درگیر مبارزهٔ شدیدی با کلیسای کاتولیک شده بود، بنابراین، هر اصطلاحی که علم اورا توضیح می‌داد بایستی از پیرایهٔ دینی برکنار باشد... [از نظر تراسی] علم ایده‌ها می‌بایست خاستگاه طبیعی ایده‌ها را بررسی کند، و دانش دقیقی باشد نسبت به علل پدید آورندهٔ ایده‌ها از حواس. اندیشه‌های فطری رد می‌شدند: همگی به حواس تبدیل می‌گشتند. تراسی ایدئولوژی را شاخه‌ای از جانورشناسی می‌دانست... در واقع چنان که یکی از محققان می‌گوید، تراسی» پیشگام روشمند رویکرد رفتارگریانه در علوم انسان بود» برای تراسی، ایدئولوژی نظریهٔ نظریه‌ها بود.»[۳]

در دوران سلطهٔ جناحی از فراماسون‌ها و طیفی از سرمایه‌داری فرانسه که از سال ۱۷۹۴ میلادی و با سرنگون کردن «روبسپیر» و «ژاکوبن»ها ژاکوبن‌ها گروهی دیگر از فراماسون‌های فرانسوی بودند که در مقایسه با دیگر جناح‌های ماسونی سرمایه‌داری فرانسه، در پیشبرد اغراض دمکراتیک تندروتر بودند به قدرت رسیدند و هیأت حاکمه‌ای موسوم به «دیرکتوار» تأسیس کردند، میدان برای فعالیت لیبرال‌هایی چون تراسی بسیار مهیّا گردید و تراسی به ویژه در سالهای ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۰ میلادی کوشش زیادی نمود تا این به اصطلاح علم جدید (یعنی ایدئولوژی یا علم ایده‌ها) را از طریق انستیتوی فرانسه و آموزش و پرورش فرانسه در اقشار مختلف مردم ترویج نماید. در سال ۱۷۹۹ میلادی، ناپلئون بناپارت کودتا کرد و به قدرت رسید. بناپارت از اعضای موقت و افتخاری ایدئولوگ‌های انستیتو ملی فرانسه بود، در واپسین سال قرن هیجدهم (۱۷۹۹م) طیف سرمایه‌داری فرانسه و جریان اصلی فراماسون‌ها این کشور را که از عملکرد «دیرکتوار» ناراضی بود با حمایت از کودتای ناپلئون بناپارت، ساختار سیاسی قدرت در فرانسه را دگرگون کرد. چند سال پس از روی کار آمدن ناپلئون، او با ایدئولوگ‌های پوزیتیویست مستقر در انستیتو ملی فرانسه اختلاف پیدا کرد و آنها را به باد انتقاد قرارگرفت. ناپلئون، در مخالفت با ایدئولوگ‌ها و استهزاء آنها، تعریفی تازه از ایدئولوژی ارائه داد و ایدئولوژی را عبارت از مجموعه‌ای از عقاید کاذب و مخل دانست».[۴] بدین‌سان عملاً دو تلقی از ایدئولوژی ظاهر گردید:

اول: تلقیِ آنتوان تراسی که از منظری پوزیتیویستی و لیبرالی، ایدئولوژی را در چارچوب علم مدرن و به عنوان مروّج اومانیسم ماتریالیستی عنوان می‌کرد و اگرچه صورت منسجم آن در کتاب «عناصر ایدئولوژی» تراسی مطرح گردیده بود، اما صورت‌های اولیهٔ آن به صورت غیرمدوّن و غیرمنسجم در آراء و آثار فیلسوفان ماتریالیست عصر ظلمانی به اصطلاح روشنگری (اتین بونه دوکوندیاک و پیر. ژ. کابانیسم) ظاهر گردیده بود. در این تلقی، ایدئولوژی، یکی از صور علم مدرن دانسته می‌شد و مورد تمجید قرار می‌گرفت. اما تلقی دوم: توسط ناپلئون مطرح گردید و نوعی بار منفی، به اصطلاح ایدئولوژی داد و ایدئولوژی را به عنوان نوعی وزّاجی و نحوی «آگاهی کاذب» گمراه‌کننده تعریف کرد. ناپلئون در تعریف ایدئولوژی، به آن وجهی سیاسی داد و آن را نوعی دکترین سیاسی کاذب گمراه‌کننده و ایدئولوگ‌ها را افرادی «رویازده» و «گرفتار در عالم خواب و خیال» دانست.

**۱ـ مک للان، دیوید/ ایدئولوژی/ محمد رفیعی مهر آبادی/ انتشارات آشیان/ ۱۳۸۰/ ص ۱۹**
**۲ـ مکنزی، یان و دیگران/ مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی/ م. قائد/ نشر مرکز/ ۱۳۷۵/ ص ۱۵**
**۳ـ وینسنت، اندرو/ ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی/ مرتضی ثاقب‌فر/ ققنوس/ ۱۳۷۸/ صص ۱۲، ۱۳**
**۴ـ مکنزی، یان/ مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی/ ص ۱۶**


## آگهی تجدید مزایده عمومی
کد آگهی ۱۳۲-۹۳
شهرداری کرج
سازمان پارکها و فضای سبز

**سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری کرج** در نظر دارد **پارکینگ به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع دارای یکباب کانکس حدود ۱۰ متر مربع جهت دفتر مدیریت با قیمت پایه ماهیانه ۱۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال واقع در عظیمیه میدان استقلال (اسبی) ضلع جنوبی پارک ایران زمین (به مدت سه سال)** را از طریق تجدید مزایده و انعقاد قرارداد به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید. از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت کسب اطلاعات لازم و دریافت و عودت اسناد مزایده از تاریخ چاپ و انتشار این آگهی حداکثر بمدت ده روز کاری به نشانی کرج -عظیمیه - ضلع شمالی میدان استقلال - سازمان پارکها - طبقه اول - دفتر امور پیمانها مراجعه و یا با شماره تلفن **۳۲۵۴۰۳۰۳ (۰۲۶)** تماس حاصل نمایند. بدیهی است کمیسیون معاملات سازمان پارکها در رد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات واصله مختار بوده و هزینه چاپ آگهی بعهده برنده مزایده میباشد. متقاضی می‌بایست بابت خرید هر یک از اسناد مزایده مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال معادل ده هزار تومان بشماره حساب ۱۰۰۱۰۰۱۰۰۲۶۱ بانک شهر شعبه عظیمیه ۴۵ متری کاج در وجه شهرداری کرج واریز (با همراه داشتن کارت اعتباری امکان واریز وجه در محل نیز میسر می‌باشد) و کارت شناسایی معتبر به همراه داشته باشد.

**روابط عمومی سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری کرج**
**Park.karaj.ir**

## آگهی ابلاغ
خواهان‌ها زهرا فتوحی قزوینی و بتول آتشگران دادخواستی به طرفیت خواندگان وحید بهبودی‌نیا و سعید جمشیدیان و حمید احمدوند به خواسته ورود و تقدیم دادخواست تقابل (ابطال مبایعه‌نامه) تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان قزوین نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان قزوین واقع در قزوین خ دانشگاه- جنب پارک الغدیر- دادگستری کل استان قزوین ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۸۱۰۴۰۰۳۶۷ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۹/۱۸ و ساعت ۸ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
**شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان قزوین**

## آگهی ابلاغ
خواهان فرزاد حسین‌بهی دادخواستی به طرفیت خوانده همایون ثقفی به خواسته مطالبه اجرت‌المثل اموال و مطالبه خسارت تاخیر تادیه تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان قزوین نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی قزوین واقع در قزوین- خیابان دانشگاه- جنب پارک الغدیر- دادگستری کل استان قزوین ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۸۱۰۲۰۰۳۷۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۹/۱۱ و ساعت ۱۱ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
**شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان قزوین**

## آگهی ابلاغ اجرائیه
محکوم‌له: پویان محمدبیگی فرزند محمد نشانی: قزوین خ نوروزیان حکمت ۴۰ بالای رستوران آریایی طبقه اول واحد ۳ محکوم علیه: مهدی فاطمی مجهول‌المکان- به موجب درخواست اجرای رای داور مربوطه محکوم علیه آقای مهدی فاطمی فرزند محمد محکوم است به
۱- استرداد مبالغ اخذ شده وفق ۷ فقره به شرط رای داور ۲- پرداخت ۳۰۰ میلیون تومان وجه نقد ۳- پرداخت خسارت و ضرر و زیان وارده بر مبنای شاخص تورم از تاریخ ۹۲/۲/۱۰ تا زمان اجرای حکم ۴- پرداخت نیم عشر اجرایی در حق صندوق دولت، لذا مقرر است محکوم علیه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی مفاد آن را به اجرا بگذارد.
**شعبه ٤ دادگاه عمومی حقوقی قزوین**

## آگهی حصر وراثت
آقای مهدی شهرت بنی‌خالد نام پدر جاسم بشناسنامه ۴۰۰۹ صادره از اهواز درخواستی ۹۷/۲۹/۹۳ ح بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که پدرم مرحوم جاسم شهرت بنی‌خالد بشناسنامه ۱۳۴ صادره اهواز در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ در اهواز اقامتگاه دائمی خود فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱-متقاضی مهدی بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۴۰۰۹ صادره از اهواز ۲- علی بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۶۲۲ صادره از اهواز ۳-قاسم بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۴۷۸ صادره از اهواز ۴-عباس بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۱۳۲۸۳ صادره از اهواز (پسران متوفی) ۵-زهرا بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۱۳۲۸۱ صادره از اهواز ۶-فاطمه بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۱۳۲۸۴ صادره از اهواز ۷-سکینه بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۴۷۵ صادره از اهواز ۸-رقیه بنی‌خالد فرزند جاسم به ش.ش ۱۹۰۷ صادره از اهواز (دختران متوفی) ۹- حسنه یوسفی فرزند حسین به ش.ش ۴۵۱ صادره از اهواز (همسر متوفی) ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
**قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۴ شهرستان اهواز**
**عالمی نیسی**

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۳۹۳۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۶۰۳۳ هیئت دوم پرونده کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۱۲۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بیژن مافی فرزند اسفندیار بشماره شناسنامه ۷ کد ملی ۴۳۲۴۶۴۶۶۰۰ صادره از قزوین درششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۰/۵۵ مترمربع پلاک باقی‌مانده ۳۸ اصلی واقع در بخش ۵ قزوین که مالک رسمی مشاعی بوده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۳/۶/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۳/۷/۹
**حسن غلامحسینی- رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین**

## آگهی تغییرات شرکت دژسامان تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۴۷۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۸۴۲۶۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس خ پاسداران، میدان هروی، خ وفامنش، کوی اعتماد شرقی، پلاک ۳۶، واحد ۲، کد پستی: ۱۶۶۹۹۱۳۵۱۳ تغییر یافت و ماده مربوط در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.
**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
**اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران**

## آگهی تغییرات شرکت مهندسی آب و خاک سهامی خاص به شماره ثبت ۷۹۱۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۹۲۷۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۲/۱۰/۳۰ به تصویب رسید.
سازمان حسابرسی شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳ به عنوان بازرس برای یکسال مالی انتخاب گردید.
**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
**اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران**

## «آگهی مناقصه عمومی» «نوبت اول»
**شهرداری شهریار** در نظر دارد نسبت به **طراحی و بهسازی و تجهیز آمفی‌تئاتر ایثار اندیشه با برآورد ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال** طبق مجوز شماره ۱۵۶۴ مورخه ۹۳/۵/۱۸ شورای اسلامی شهر شهریار از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از شرکتهای دارای رتبه‌بندی و واجد شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه پس از تاریخ درج آخرین آگهی به مدت ۱۰ روز به امور مالی شهرداری شهریار مراجعه نمایید. شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
**مسعود رهنما- شهردار شهریار**

## آگهی حصر وراثت
آقای عبدالحسین شهرت مدی نام پدر عبدالزهرا بشناسنامه ۱۸۲۸۸۹۱۱۸۵ صادره از خرمشهر درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که همسرم مرحومه زینب شهرت دارم فرزند جاسم بشناسنامه ۲ صادره اروندکنار در تاریخ ۹۲/۹/۳۰ در اهواز اقامتگاه دائمی‌اش فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق (همسر متوفی)
۲- محسن مدی به شماره ملی ۱۸۲۹۰۹۶۹۹۰ صادره از خرمشهر
۳- علیرضا مدی به شماره ملی ۱۸۲۹۱۷۸۰۳۲ صادره از خرمشهر
۴- جعفر مدی به شماره ملی ۱۸۲۹۵۵۲۴۴۹ صادره از خرمشهر
۵- محمد مدی به شماره ملی ۱۸۲۹۸۹۳۵۰۵ صادره از خرمشهر (پسران متوفی) ۶- جمیله مدی به شماره ملی ۱۸۲۹۱۲۳۹۲۰ صادره از خرمشهر (دختر متوفی).اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
**رئیس شعبه ۹۰ مجتمع شماره ۶ اهواز**

## آگهی حصر وراثت
بانو بیتا شهرت حسین پور نام پدر محمد بشناسنامه ۲۴ صادره از مسجد سلیمان درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که مادرم مرحومه هما شهرت سعادت‌پور بشناسنامه ۵۷۱ صادره مسجد سلیمان در تاریخ ۸۳/۳/۷ در تهران اقامتگاه دائمی خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- بیتا حسین‌پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۴ صادره از مسجد سلیمان ۲- تینا حسین‌پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۴۰ صادره از اهواز ۳- هنگامه حسین‌پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۷۶ صادره از اهواز ۴- پرستو حسین‌پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۱۱۳ صادره از اهواز ۵- شکوفه حسین پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۶۶۸ صادره از اهواز (دختران متوفی) ۶- علی حسین‌پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۲۱ صادره از مسجد سلیمان ۷- ابراهیم حسین‌پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۴۵۳۹ صادره از مسجد سلیمان (پسران متوفی) ۸- ایرج پیربویری فرزند خداکرم به شماره شناسنامه ۵۱ صادره از مسجد سلیمان (پدر متوفی) ۹- سلطان گداری بویری فرزند غلام به شماره شناسنامه ۱۰ صادره از مسجد سلیمان (مادر متوفی) ولاغیر ورثه دیگری ندارد.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌ن